در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۹۳
صلاة المسافر

جلسه 22

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

بعد از اینکه اقوال را ملاحظه فرمودید عمده این است که باید روایات را تحلیل و بررسی کنیم، در اینکه این روایات به چند طایفه تقسیم می‌شوند، وقتی کلمات را ملاحظه می‌کنیم برخی به سه طائفه تقسیم کردند و برخی مثل مرحوم نائینی به چهار طائفه تقسیم کردند و برخی مثل مرحوم بروجردی (قدس سره) به پنج طائفه تقسیم کردند.

طوائف روایات به نظر مرحوم بروجردی

مرحوم آقای بروجردی بر حسب آنچه در تقریرات صلاة ایشان در کتاب البدر الزاهر آمده است می‌فرمایند: ما وقتی روایات را بررسی می‌کنیم پنج طائفه است. یکی روایاتی که از آن تعبیر به اخبار ثمانیه می‌شود. یعنی روایاتی که می‌گوید باید هشت فرسخ بروی تا نماز قصر شود و این روایات ظهور در هشت فرسخ امتدادی دارد.

طائفه دوم روایاتی است که از آن تعبیر به اخبار اربعه می‌شود، از امام سؤال می‌کنند که در چه مقدار نماز قصر می‌شود؟ امام می‌فرماید: «فی اربعة فراسخ یا فی بریدٍ» که برید همان چهار فرسخ است.

طایفه سوم یک اخباری داریم به نام اخبار تلفیق که اینها هم روایات متعددی دارند. اخبار تلفیق مدلولش این است که اگر کسی چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت کفایت در قصر می‌کند، بریدٌ ذاهباً و بریدٌ جائیاً، از آن تعبیر به اخبار تلفیق می‌کنیم.

طایفه چهارم مرحوم آقای بروجردی می‌فرمایند ما هشت روایت داریم از این روایات استفاده می‌شود عدم اعتبار رجوع من یومه، یعنی اصلاً روایاتی است که دال بر این است که چنین چیزی شرطیّت ندارد، رجوع من یومه شرطیت ندارد و برخی از آن هم ولو از جهت سندی مشکل دارد صریح در این است که رجوع در همان روز اعتبار به شرطیّت ندارد.

طایفه پنجم فرمودند یک روایاتی داریم که از آن عکس طایفه چهارم استفاده می‌شود یعنی ظهوری دارد در اینکه رجوع من یومه شرط است.

این پنج طایفه‌ای که مرحوم آقای بروجردی آوردند.

طوائف روایات به نظر مرحوم نائینی

مرحوم نائینی روایات را چهار طایفه کرده است و می‌فرماید: طائفه ی اولی روایات ثمانیة است که عرض کردم روایاتی است که امام(ع) می‌فرمایند مقدار تقصیر ثمانیة فراسخ است یا بریدان. در بعضی از این روایات دارد مسیرة یومٍ و هی بریدان و هما ثمانیة فراسخ، یعنی بازگشت اصلی‌اش به ثمانیة فراسخ است.

طایفه دوم همان اربعة فراسخ است که می‌فرمایند در روایات هست که بریدٌ.

طایفه سوم اخبار تلفیق است بریدٌ ذاهباً و بریدٌ جائیاً. ما این روایات را در سال گذشته مفصل سنداً و دلالتاً بحث کردیم. خواستید مراجعه کنید جلد هشتم وسائل الشیعه چاپ آل البیت ابواب صلاة مسافر، آنجا روایاتش در باب اول، دوم و سوم مطرح است.

طایفه سوم را مرحوم نائینی می‌فرماید ما روایاتی داریم که از آن تعبیر به اخبار تلفیق می‌شود بریدٌ ذاهباً و بریدٌ جائیاً. منتها ایشان می‌فرماید: در این طایفه‌ی سوم یک اطلاقی وجود دارد که می‌گوید بریدٌ جائیاً، ولی قید نمی‌کند که در همان روز برگردد، اطلاق دارد، از نظر رجوع من یومه و عدم رجوع من یومه اطلاق دارد.

طایفه چهارم می‌فرمایند ما یک روایاتی داریم که از آن تعبیر می‌کنیم به اخبار مکه، این طایفه‌ی چهارم هم در حقیقت همان طایفه چهارم مرحوم آقای بروجردی است، یعنی ما از اخبار مکه یا عرفه؛ اهل مکه وقتی می‌خواستند برای عرفات بروند روایات داریم ائمه(ع) می‌فرمایند رسول خدا(ص) می‌فرمود اینها باید نمازشان را قصر بکنند، از مکه تا عرفات آن زمان (نه حالا) چهار فرسخ بوده، مسافت شرعی بوده است. اینها می‌رفتند عرفات، شب هم می‌رفتند برای مشعر، فردا هم برای منا، پس قطعاً اینها رجوع من یومه نداشتند! آن طایفه‌ی پنجم را که مرحوم آقای بروجردی آورده مرحوم نائینی نیاورده است.

نکات مورد توجه در بحث

اینجا دو تا نکته وجود دارد؛ یک نکته این است که اولاً اگر ما بخواهیم واقعاً همه روایات را بیاوریم به نظر ما باید یک طایفه ششم هم اضافه کرد. ما یک روایتی داریم از فقه الرضا که در آن روایت اصلاً مسئله تخییر یا ظهور در تخییر دارد و مستند کسانی که قائل به تخییرند عمدتاً همین روایت فقه الرضا است. چرا این را نیاوردیم؟

نکته ی دوم این است که خود طایفه‌بندی روایات یک ملاکی دارد. اینجا آنچه که مرحوم آقای بروجردی به عنوان طایفه پنجم آوردند در حقیقت جزء آن طایفه‌ی سوم (اخبار تلفیق) است، منتها بعضی آمدند از این صحیحه‌ی محمد بن مسلم که به عنوان طایفه پنجم مرحوم آقای بروجردی ذکر کردند برخی استفاده کردند که این رجوع من یومه در آن معتبر است در حالی که این جزء اخبار تلفیق است، جزء همان طایفه‌ی سوم است.

می‌خواهم این نکته را عرض کنم برای بعد هم در مباحث فقهی‌تان، اصلاً چه ملاکی داریم برای طایفه‌بندی روایات؟ این یک ملاکی می‌خواهد، حالا در اخبار تلفیق یک روایت هست عرض کردم صحیحه محمد بن مسلم است که می‌رسیم، برخی از این روایت شرطیّت رجوع من یومه را استفاده کردند، اکثر هم آمدند جواب دادند که از این روایت چنین چیزی استفاده نمی‌شود، آیا ما باید بیائیم روایت را در طایفه‌بندی روایات مستقل ذکر کنیم؟ جواب منفی است. لذا به نظر می‌رسد حق با مرحوم نائینی است، یعنی اینجا چهار طایفه بیشتر نیستند.

طایفه دوم تکلیفش روشن است یعنی روایاتی که دلالت دارد بر اینکه مقدار مسافت چهار فرسخ است این روایات مسلّم اطلاقش مورد قبول نیست و هیچ کس این را قبول نکرده، فقط تنها کسی که آن هم ظاهر روایتش بوده مرحوم کلینی است که دیروز کلام صاحب جواهر را نسبت به کلینی گفتیم، فقیهی نداریم که بگوید فقط مجرّد چهار فرسخ موجب قصر نماز است لذا طایفه‌ی دوم کنار می‌رود. بحث بین طایفه‌ی اولی و اخیرتین است.

در طایفه‌ی اولی ائمه(ع) فرمودند: کسی که می‌خواهد نمازش را قصر کند هشت فرسخ باید برود، این ثمانیة فراسخ ظهور در هشت فرسخ امتدادی دارد، یعنی این پشت سر هم باید باشد. بعد آن اخیرتین یعنی طایفه‌ی سوم و چهارم مخصوصاً طایفه سوم می‌گوید تلفیق هم مانعی ندارد، چهار فرسخ بروی و چهار فرسخ برگردی. از طایفه چهارم استفاده می‌شود که اگر همان روز هم برنگشتی چهار فرسخ رفتی و شب ماندی یکی دو روز بعد برگشتی مانعی ندارد!

کلام مرحوم نائینی در جمع بین روایات

مرحوم نائینی می‌فرماید ما اگر بگوئیم بین طایفه‌ی اولی و اخیرتین تعارض وجود دارد این می‌تواند مستند قول به تخییر باشد، یعنی بگوئیم طایفه اولی می‌گوید هشت فرسخ، طایفه ثالثه و رابعه می‌گوید اگر چهار فرسخ بروی و چهار فرسخ برگردی مانعی ندارد، پس بگوئیم اگر کسی چهار فرسخ رفت شب را ماند و خواست فردایش برگردد این مخیّر باشد بین قصر و تمام.

نائینی می‌فرماید در میان قول به تخییر ما دو تا قول داشتیم، یکی این بود کسی که می‌خواهد چهار فرسخ بیاید، اگر بخواهد همان روز برگردد این مخیّر است، این یک قول. یکی هم قول شیخ بود که آن این بود: کسی که قصد چهار فرسخ دارد چه همان روز بخواهد برگردد و چه روز دیگر بخواهد برگردد مخیّر است.

مرحوم نائینی می‌فرماید وقتی تعارض را ما قبول کردیم نتیجه‌ی تعارض قول شیخ طوسی می‌شود مطلقا و نمی‌توانیم بگوئیم تخییر را برای آن کسی که أراد الرجوع من یومه قائل شویم.

کلام مرحوم شهید اول به نقل از مرحوم نائینی

این مطالب در تقریرات صلاة مرحوم نائینی که مرحوم حاج شیخ محمدتقی آملی نوشتند آمده است که مرحوم نائینی از مرحوم شهید در دروس نقل می‌کند که هر یک از روایات ثمانیة و اخیرتین ـ اربعه را که کنار گذاشتیم ـ هر کدام یک نصّ و یک ظاهر دارد.

روایات ثمانیة نصّ است در اینکه معتبر در تقصیر ثمانیة فراسخ است اما در اینکه آیا این ثمانیة فراسخ به صورت تعیینی است یا تخییری ظهور در تعیینی بودن دارد. پس یک نص است و یک ظاهر، نصٌ فی أنّ العبرة ثمانیة فراسخ و ظاهرٌ فی أنّ ثمانیة فراسخ علی نحو التعیین لا علی نحو التخییر.

اخیرتین (روایت تلفیق و آن روایت عرفه) هم یک نصّ و یک ظاهر دارد. نص در این است که العبرة بالأربعة و ظاهرةٌ فی کون اعتبارها تعیینیاً. این هم نصّ در این است که اگر چهار فرسخ رفتی نماز قصر است و ظهور در تعیینی بودن هم دارد.

مرحوم شهید فرموده این دو تا که با هم تعارض می‌کنند ما رفع ید از ظهور هر کدام کنیم، مقتضای قاعده اخذ به نصّ هر کدام و رفع ید از ظهور هر کدام می‌کند، چه نتیجه‌ای گرفته است؟ می‌فرماید: آنجایی که کسی چهار فرسخ برود و اراده ی رجوع داشته باشد، حکمش تخییر بین القصر و الاتمام است.

ما دیروز گفتیم شیخ طوسی قائل به تخییر است یعنی بر حسب بعضی از عبارات و ... در برخی از کتب شیخ به نحو مطلق است. شهید می‌گوید اگر چهار فرسخ رفت و أراد الرجوع اینجا ما مقتضای جمع بین روایات تخییر در این مورد است فقط.

اشکال مرحوم نائینی به کلام مرحوم شهید اول

مرحوم نائینی یک اشکالی به شهید دارد و می‌فرماید: این جمعی که شما کردید جمع دلالی عرفی نیست. چراکه درست است اگر ما قبول کنیم این روایات هر کدام از یک جهت نصّ است و از یک جهت ظاهر، آن وقت جمعش همین است که ما تخییر را استفاده کنیم. ولی شما آمدید این روایات را یک تحلیل غیر عرفی کردید. به عبارتی دیگر شما برای هر کدام یک نصّ و یک ظاهر درست کردید که خود این غیر عرفی است زیرا این روایات یک ظهور بیشتر ندارد و آن هم ثمانیة فراسخ است.

شما می‌گوئید از یک جهت نص است و از یک جهت ظاهر است، هذا تحلیلٌ دقّیٌ غیر عرفیٍ، اشکال شما این است. بله اگر واقعاً از نظر عرفی این روایات یک نص و ظهوری داشت این جمع را ما قبول می‌کردیم بعد می‌فرمایند ما اساساً جمع دلالی را در جایی قبول می‌کنیم که مسئله حکومت در کار باشد، اگر یک روایتی نص و یک روایتی ظاهر است، نص بر ظاهر حکومت

دارد، یک روایتی اظهر است و یک روایتی ظاهر است، اظهر بر ظاهر حکومت دارد.

مرحوم نائینی می‌گوید در جایی که مسئله حکومت در کار نباشد اینجا اصلاً جمع دلالی را نمی‌پذیریم و الآن فرض این است که شما تعارض را قبول کردی، اگر تعارض را قبول کنی نائینی می‌فرماید اولاً این جمعی که کردید جمع تبرّعی است ثانیاً این نتیجه‌ای که گرفتید نتیجه‌ی درستی نیست به عبارتی دیگر می‌فرماید: اگر ما آمدیم نسبت بین طایفه‌ی اولی و اخیرتین را تعارض قرار دادیم نتیجه‌ی تعارض این نیست که شما گرفتید که اگر کسی چهار فرسخ آمد همان آن بخواهد برگردد مخیّر بین القصر و الاتمام است، نه! اگر تعارض را قبول کردیم و تخییر و جمع را هم پذیرفتیم باید بگوئیم این آدم مخیّر است مطلقا، چه همان آن بخواهد برگردد و چه بخواهد فردای آن روز برگردد. این اشکالاتی است که نائینی بر مرحوم شهید دارد.

بررسی اشکال مرحوم نائینی

به نظر ما این فرمایش نائینی و این اشکال از این جهت که این جمع دلالی نیست و جمع تبرعی است وارد نیست، انصاف این است که این کلام شهید یک امر عرفی است. اینکه این روایات ثمانیة ظهور دارد و نص است، از یک جهت نص است و از جهت دیگر ظهور دارد، اینکه روشن است و نیاز به دقّت عقلی ندارد که شما مرحوم نائینی می‌فرمائید. امام می‌فرماید برای شکستن نماز، هشت فرسخ، نصٌّ فی أنّ الملاک ثمانیة فراسخ ولی ظاهرٌ فی التعیینیة، یعنی غیر از این چیز دیگری نیست مثل همان مثال کفاره‌ای که برای شما عرض کردم.

لذا این اشکال نائینی به مرحوم شهید وارد نیست اما آن اشکال دیگرش وارد است یعنی حالا که فرض کردیم تعارض است بعد از تعارض نتیجه این است که رفع ید از تعیینی بودن هر کدام کنیم، معنایش این است که هشت فرسخ تعیینی نیست بریدٌ فی برید تعیینی نیست، اینها همه تخییری است، نتیجه اش این می‌شود که اگر شما چهار فرسخ را رفتید چه آن زمان بخواهید برگردید یا فردا بخواهید برگردید مخیّرید.

نکته ای در رابطه با کلام مرحوم صاحب مدارک

باز نکته‌ی دیگری را عرض کنم این در کلام صاحب مدارک است. یکی از کسانی که خیلی فریاد تخییر دارد صاحب مدارک است ایشان هم مطلقا می‌گوید: اگر کسی چهار فرسخ رفت چه همان روز برگردد و چه بخواهد بعداً برگردد مخیّر است. به صاحب مدارک می‌گوئیم شما روی چه صناعت فقهی این فتوا را می‌دهید؟ می‌گوید: روایات ثمانیة را داریم، روایات اربعه را هم داریم، جمع بین این دو روایات این است که بگوئیم در ثمانیة قصر متعیّن است و در اربعه قصر علی وجه التخییر است. یعنی خود این چهار طایفه روایاتی که درست کردیم بین ثمانیه و اربعه جمعش چطوری می‌شود؟ این است که بگوئیم در ثمانیه قصر به نحو معین است، اربعه را وقتی می‌فرماید فی بریدٍ یعنی مخیّری می‌توانی قصر کنی یا تمام بخوانی این هم حرف صاحب مدارک است.

این فرمایش صاحب مدارک هم درست نیست، ما وقتی می‌خواهیم تعارض را قبول کنیم می‌گوئیم نتیجه تعارض چه می‌شود؟ نتیجه‌ی تعارض این است که رفع ید از تعیینی بودن هر کدام کنیم، چرا از تعیینی بودن خصوص روایات اربعه رفع ید کنیم؟ اشکالی که به صاحب مدارک وارد است این است که همانطوری که روایات ثمانیه ظهور در تعیینی بودن دارند روایات اربعه هم همین‌طور، شما چرا می‌آئید در خصوص اربع رفع ید می‌کنید؟ اگر می‌خواهید رفع ید کنید از هر دو رفع ید کنید، جمعش به این می‌شود که اگر کسی هشت فرسخ رفت، أراد الرجوع من یومه أم لم یرد، یا چهار فرسخ رفت أراد الرجوع من یومه أم لم یرد! در هر دو ما قائل به تخییر شویم، مقتضای صناعت فقهی همین است حالا کاری به فتاوا نداشته باشیم، خوب ذهن شریف‌تان را روی صناعت استدلالی بیاورید.

ما اگر بودیم و این چهار طایفه روایات، یک روایات می‌گوید هشت فرسخ ظهوری در تعیینی بودن دارد، یک روایات می‌گوید چهار فرسخ آن هم ظهور در تعیینی بودن دارد، همین جا صاحب مدارک می‌گوید بیائیم روایات چهار فرسخ را رفع ید کنیم از

ظهور در تعیینی بودنش، بگوئیم اگر کسی به چهار فرسخ رسید اینجا نمازش قصر است، مخیّر بین القصر و التمام است، مطلقا چه أراد الرجوع چه لم یرد! اشکال این است که چرا رفع ید از تعیینی بودن ثمانیة نمی‌کنید؟ به مرحوم شهید در دروس می‌گوئیم شما می‌خواهید بین ثمانیة و آن دو طایفه اخیر جمع کنید، چرا می‌گوئید اگر چهار فرسخ رفت و أراد الرجوع مخیّر است؟ باید مطلق بگوئید. به عبارتی دیگر باید بگوئید اگر چهار فرسخ رفت أراد الرجوع أم لم یرد.

حتی این را اضافه می‌کنیم به اشکال مرحوم شهید، مقتضای رفع ید از ظهور این روایات در تعیینی بودن این است که بگوئیم حتّی اگر هشت فرسخ هم رفت أراد الرجوع أم لم یرد مخیّر است، صناعت جمع بین روایات این است علی فرض التعارض.

در حالی که هیچ فقیهی این فتوا را نداده است. یعنی نمی‌گوید اگر کسی هشت فرسخ رفت أراد الرجوع مخیّر است، لم یرد الرجوع مخیّر است. البته در صورتی که لم یرد الرجوع به مشهور نسبت تخییر را دادند که آن هم باز در اربعة فراسخ به صورت تلفیقی‌اش، نه صورت ثمانیة فراسخ. پس تا اینجا ملاحظه می‌کنید اگر ما بخواهیم تعارض را بپذیریم جمع کنیم یک چنین مشکله‌ای داریم، ولی همه بحث‌ها در این است که اصلاً اینجا تعارض وجود ندارد.

اینجا اگر یتخیّر، که بدواً تعارض هست اما روایات طایفه سوم و چهارم بر طایفه‌ی اولی حکومت دارد، چرا؟ طایفه اولی می‌گوید ثمانیة فراسخ، طایفه‌ی ثالثه می‌گوید اگر چهار فرسخ باشد، چهار فرسخ هم برگردید این هم کافی است. این روایات طایفه ثالثه ظهور در این دارد که رجوع من یومه شرط نیست چون می‌گوید اگر چهار فرسخ هم برگشتی مطلقا، چه آن روز و چه روز بعد.

طایفه رابعه ظهور در این دارد که بلکه صریح در این است که اصلاً شرطیت ندارد ولی علی کل حال این ثالثه و رابعه که هر دویش در چهار فرسخ است چون اخبار عرفات هم مربوط به چهار فرسخ است، این حکومت دارد بر روایات ثمانیة. وقتی حکومت داشت اینجا دیگر بحث یک مقدار حساس می‌شود؛ ما تعارض را اصلاً قبول نداریم مسئله می‌آید روی مسئله‌ی حکومت، حالا که مسئله آمد روی حکومت، باید بحث کنیم که حکومت چه نتیجه‌ای در اینجا دارد؟

آیا بگوئیم همان طوری که در ثمانیة فراسخ اگر کسی ثمانیة فراسخ را به صورت امتدادی رفت آنجا هیچ فقیهی نگفته رجوع من یومه شرط است، هیچ فتوایی نداریم. ثمانیة فراسخ به صورت امتدادی رجوع من یومه را کسی نگفته شرط است، آیا بعد از اینکه این اخبار تلفیق بر اخبار ثمانیة حکومت پیدا کرد، نتیجه‌ی حکومت همین است؟ بگوئیم پس در صورت تلفیق هم رجوع من یومه شرط نیست. آیا می‌توانیم این را بگوئیم؟

چه بسا در ذهن ابتداءً همین می‌آید که اخبار تلفیق را اگر قبول کردیم بر اخبار ثمانیة حکومت دارد معنای حکومت دو چیز است؛

1) هشت فرسخ امتدادی لازم نیست، قید امتدادی بودنش را حذف می‌کنیم و تلفیق هم مانعی ندارد؛

2) همان طوری که در هشت فرسخ امتدادی رجوع من یومه شرط نیست در هشت فرسخ تلفیقی هم رجوع من یومه شرط نباشد.

آیا این را بگوئیم یا ما برای حکومت این مقدار نمی‌توانیم این دو نتیجه را بگیریم، بگوئیم حکومت فقط همان نتیجه‌ی اولی را دارد. یعنی چه؟ یعنی دلیل حاکم می‌گوید همان طوری که هشت فرسخ موجب قصر است تلفیق هم موجبٌ للقصر، اما دیگر از این تجاوز نمی‌کند نمی‌توانیم بگوئیم همان طوری که در هشت فرسخ رجوع من یومه شرط نیست اینجا هم شرط نباشد، دایره‌ی حکومت فقط در همان اولی است، یعنی هشت فرسخ را در روایات ثمانیة موجب برای قصر قرار داده، روایات تلفیق هم می‌گوید هشت فرسخ موجب برای قصر است، همین اندازه. اما نمی‌توانیم بگوئیم همان طوری که ثمانیة فراسخ امتدادی در آن رجوع من یومه شرط نیست در تلفیقی هم رجوع من یومه شرط نباشد.

کلام مرحوم بروجردی در محل بحث

مرحوم آقای بروجردی (قدس سره) به این نکته‌ای که اخیراً عرض کردم توجه داشتند در کلمات مرحوم نائینی و دیگران من این مطلب را ندیدم؛ از کلمات ایشان استفاده می‌شود که دایره حکومت فقط در همان امر اول است یعنی حکومت به ما می‌گوید همان طوری که هشت فرسخ موجب قصر است تلفیق هم موجب قصر است، اما نمی‌شود از آن استفاده کرد مطلب دوم را. حکومت دلالت ندارد همانطوری که در هشت فرسخ رجوع من یومه شرط نیست بگوئیم در تلفیق هم رجوع من یومه شرط نباشد. و شاهدشان هم این است که این روایات تلفیق لسانش لسان واحد نیست، می‌فرمایند این روایات تلفیق مضامینش مختلف است از این نظر، حالا بیان دیگر و فنّی‌تری را از ایشان در اینجا نقل کنم.

بیان ساده‌اش این بود که حکومت تا چه اندازه اینجا اثر دارد آیا دو اثر دارد یا یک اثر؟ اگر گفتیم دو اثر دارد در تلفیق هم می‌گوئیم رجوع من یومه شرط نیست اگر گفتیم یک اثر دارد در حکومت دیگر نمی‌توانیم استفاده کنیم در تلفیق رجوع من یومه شرط نباشد.

مرحوم آقای بروجردی بیان دقیق‌تری که دارند این است که می‌فرمایند در اخبار تلفیق دو احتمال وجود دارد: بعد از حکومت ما بگوئیم الموجب للقصر شیءٌ واحد، بگوئیم آنچه موجب قصر است یک چیز است اما این یک چیز دو تا فرد دارد، یک فردش ثمانیة فراسخ است، یک فردش هم تلفیق است، این یک احتمال.

احتمال دوم این است که بگوئیم این روایات می‌خواهد بگوید موجب قصر امران است، یکی ثمانیة فراسخ امتدادی و یکی هم تلفیق. می‌فرمایند اگر مطلب اول باشد که از روایات استفاده کنیم موجب قصر شیءٌ واحد و له فردان، آن وقت اینجا نمی‌توانیم بگوئیم یک فردش دارای یک شرط است و فرد دیگرش دارای شرط نیست، باید بگوئیم هم ثمانیة و هم تلفیق مشروط به رجوع من یومه نیست.

اما اگر گفتیم روایات و حکومت در روایات، می‌گوید موجب قصر دو چیز است، یکی ثمانیة و یکی تلفیق، چه اشکالی دارد ثمانیة دارای یک شرطی نباشد اما تلفیق دارای یک شرط باشد. و بعد از این بیان می‌فرمایند چون روایات تلفیق از نظر اینکه موجب قصر دو چیز است یا یک چیز، لسانش مختلف است لذا ما نمی‌توانیم اینجا بگوئیم از حکومت استفاده می‌کنیم، بگوئیم کما أنّ الثمانیة امتدادیةً غیر مشروطٍ بالرجوع من یومه، الثمانیة تلفیقیةً غیر مشروط، از حکومت نمی‌توانیم این عدم اشتراط را استفاده کنیم.

بررسی کلام مرحوم بروجردی

أقول، آنچه ما می‌خواهیم به عنوان تعلیقه بر فرمایش ایشان بگوئیم این است که اولاً نباید این تعبیر فنّی را در اینجا آورد، بگوئیم از حکومت استفاده می‌کنیم که آیا موجب برای قصر امرانند یا شیء واحد؟ این را اصلاً نباید مطرح کرد برای اینکه این روایات ظهور روشنی دارد که ائمه(ع) دو تا ملاک نمی‌خواهند برای قصر بدهند.

ثمانیة همان بریدٌ فی برید است، همان بریدان است، همان تلفیق است، همان بریدٌ ذاهباً و بریدٌ جائیا است به هیچ وجهی به نظر ما اشعاری در این روایات وجود ندارد بر اینکه موجب قصر بتواند دو چیز باشد، لذا این بحث را باید کنار بگذاریم و برویم به همان بیان ساده‌ی خودمان، روی آن بیان ساده‌ی خودمان به همین نتیجه‌ای که مرحوم بروجردی رسیدند ما می‌رسیم، می‌گوئیم چه مقدار حکومت دارد؟ آیا می‌گوید همانطوری که در ثمانیة باید قصر کنی در تلفیق هم قصر کن؟ یا زائد بر این می‌گوید در همان طوری که در ثمانیة مشروط نیست اینجا هم مشروط نیست، می‌گوئیم مطلب دومش از حکومت استفاده نمی‌شود.

حالا ببینید ما دنباله بحث را چطور باید دنبال کنیم، ما داریم روایات را تحلیل می‌کنیم، تعارض را فعلاً کنار گذاشتیم، یک. حکومت را هم مقدار تأثیرگذاری‌اش را بیان کردیم، دو. حالا این طایفه‌ی چهارمی که مرحوم آقای بروجردی فرمود را هم باید تحلیل جداگانه کنیم ببینیم آیا در این روایات همان طایفه‌ی چهارم مرحوم نائینی هم هست، روایاتی داریم که از آن استفاده شود رجوع من یومه شرط نیست، اصلاً نفی کند بالصراحة یا بالظهور؟ عرض کردم مرحوم آقای بروجردی هشت روایت در اینجا

ذکر کردند و بعد هم در این دلالت روایات مناقشاتی دارند که بحث روایی خوبی است که ان‌شاءالله بحث را دنبال خواهیم کرد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین